

مسئولیت رئیس‌جمهور در سیاست خارجی



کیومرث اشترینان

در یکی از جلسات تاریخ شفاهی سیاست‌گذاری در جمهوری اسلامی، یکی از مقامات سابق نقل می‌کرد که «در ابتدای دهه ۷۰ که همراه با وزیر خارجه وقت به اروپا رفته بودیم، فرانسوا میتران، رئیس‌جمهور فرانسه، از ما پذیرایی بسیار گرمی کرد و آنچنان راغب به توسعه روابط با ایران بود که گفت من تا دو هفته دیگر به تهران سفر می‌کنم... البته که نیامد. چون هفته بعد از آن جلسه، شاپور بختیار ترور شد و روابط به هم خورد.»

رئیس‌جمهور باید در «تصمیم‌سازی» و مقابله با «تصمیم‌بازی» در سیاست خارجی نقش ایفا کند. «تصمیم‌سازی» را در این مقاله به مفهوم تمهیدات کارشناسی برای نظام تصمیم‌گیری و «تصمیم‌بازی» را برای اشاره به بازنگران پیدا و پنهانی که از سر جهالت یا توطنه با سرنوشت کشور بازی می‌کنند، به کار گرفته‌ام. اگر رئیس‌جمهور نقش خود را ایفا نکند، حسرت فرصت‌های از دست‌رفته بیهوده است. این یک مسئولیت قانونی، وجدانی و اخلاقی است تا نگذارد نظام تصمیم‌گیری، خیمه بر خراب جهالت بزند. دولت کارشناس، «دولت‌بیدار» است که در خواب غفلت و سایه جهالت دیگران نیاساید. دولت باید مسئولیت حقوقی و اخلاقی خود را در حوزه کارشناسی به عهده بگیرد و چنین نشود که از پس سال‌ها خطرات را در خاطراتی بخوانیم که پرچم تخریب و تعرض بر سر در سفارتخانه‌های خارجی برافراشته‌اند. یا چنان نشود که سرکشی در پایتخت‌های اروپایی را با «خط» عبری به شرح «خدمت» بنویسند و ملت هزینه آن را پرداخت کرده باشد.

«تصمیم‌سازی» در جمهوری اسلامی ترکیبی از دخالت نهادها و سازمان‌های داخلی حکومتی است که هر یک به اشکال گوناگون و به «روش» خود در تصمیم‌گیری‌ها مؤثرند. گاه، سازوکارهای کارشناسی خرد جمعی را به‌درستی طی می‌کند؛ گاه، نظام در مقابل عمل انجام‌شده قرار می‌گیرد (تصمیم‌بازی) و البته گاهی نیز گزارش‌ها و تحلیل‌های گمراه‌کننده به مسئولان تصمیم‌گیر ارسال می‌شود تا به «خودفریبی‌ها» دامن زند. پرسش این است که مسئولیت رئیس‌جمهور، وزارت خارجه و قوه مجریه چیست؟ برآورد کلی از گرایش بخش مهمی از مردمی که به آقای پزشکیان رای داده‌اند، این است که با توجه به تکتک نهادی ساختار بوروکراتیک و بازنگران پیدا و پنهان در جمهوری اسلامی، «قوه مجریه منتخب» در سیاست خارجی نقشی اثرگذار در «تصمیم‌سازی» داشته باشد و فرایندها را از بازی‌های گروه‌های بی‌مسئولیت و خودسر پالایش کند. اینکه درون نظام تصمیم‌گیری چه می‌گذرد، مردم عادی و حتی نخبگان فعالان سیاسی نمی‌توانند ببیند اما مسئولیت قوه مجریه در پیگیری خواست عمومی مبنی بر نظارت بر روندهای تصمیم‌سازی و مهم‌تر از آن مشارکت در تصمیم‌سازی را نباید نادیده گرفت. اینکه «تصمیم‌گیری با نهاد‌های بالادستی است»، نافی مسئولیت قوه مجریه و شخص رئیس‌جمهور در «تصمیم‌سازی» و پایش هوشمندانه‌این فرایندها نیست.

تاریخ روابط خارجی جمهوری اسلامی نشان می‌دهد این امر که مسئولیت «پرونده آمریکا» در شورای عالی امنیت ملی یا دیگر نهاد‌های مرتبط با چه کسانی است، مسئله مهمی بوده و هست؛ اینکه بیرون از این شورا چه نهاد‌ها یا چه گروه‌هایی (از جمله گروه‌های فشار پیدا و پنهان) در این فرایند تأثیرگذارند، همواره مسئله مهمی بوده است و بالاخره اینکه در بزنگاه‌های تاریخی، افراد یا گروه‌هایی با اقداماتی خودسر یا غیرخودسر بر جریان روابط خارجی تأثیرگذار بوده‌اند، همواره مهم بوده است. مسئولیت رئیس‌جمهور در چنین مواردی غیرقابل انکار است. «تصمیم‌سازی» عبارت است از تمهید مقدمات فکری در چارچوب استراتژی‌های کلان کشور. البته این تصمیم‌سازی می‌تواند نقش فعالانه‌تری بیابد و با ارائه اطلاعات و تحلیل‌های لازم در تغییر استراتژی‌های جدید مؤثر و تعیین‌کننده باشد. آیا وزارت خارجه نقشی در تصمیم‌سازی (و نه ضرورتاً تصمیم‌گیری) ایفا می‌کند؟ آیا نقش آن فعال است یا منفعل؟ در فرایندهای سیاست خارجی گاه نقش جهالت بازنگران غیرمسئول بیش از «نفوذی»‌ها بوده است؛ جهل در اینجا در دو معنا به کار رفته است: یکی در برابر علم و دیگری در برابر عقل (یعنی حماقت، سفاک‌ها و بی‌اعتنایی) این‌دومی مهم‌تر از اولی بوده است؛ جهالتی که در زیر غبار غیظی از ایدئولوژی سیاسی یا سبک‌سری‌های افراد یا آرمان‌های به‌ظاهر انقلابی پنهان شده است. دستگاه دیپلماسی کشور مهم‌ترین وظیفه‌اش غلبه بر جهالت است و نه حفظ «موقعیت»‌های مأموریت خارجی. «جاهلان را فخر می‌باید ز جهل خود که دهر/ انتقام جرم نادان را ز دانا می‌کشد».

یکشنبه ۱۷ فروردین ۱۴۰۴
۷ شوال ۱۴۴۶
۶ آوریل ۲۰۲۵
سال بیست‌ویکم
شماره ۵۰۷۹
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه شرق

در «شرق» امروز می‌خوانید: مدیریت بحران در کشور زلزله‌ها و کودتاها • سفر فرستاده آمریکا به لبنان • پیوستن به نظم جهانی؛ ضرورتی برای بقا و توسعه ایران

نه استعفای نمایشی و نه حمایت کورکورانه؛ پزشکیان تاب دروغ را نیاورد

حکم بر مدار نهج البلاغه

گزارش تیریک رادصفحه ۲ بخوانید



گفت‌وگوی **محمد رضا یزدانپرست** با **علی کفاشپیان**

از فوتبال و ریاست تا اقتصاد و سیاست

این گفت‌وگو را در صفحه ۲ بخوانید.عکس: سهند لاکتی، شرق

یادداشت

مولدسازی دارایی‌های مردم؛ ضرورت یا انتخاب؟



امیرثامنی

سنگ‌اندازی‌های خارجی از یک سو و نیز سوءمدیریت‌های داخلی و بسط و اشاعه‌نیافتن لوازم فرهنگ تولیدی در جامعه در حال گذار ایران به تدریج به انحطاط کشیده شد.

همان‌طور که آموزه‌های علم اقتصاد بر آن تأکید دارد، رشد اقتصاد تولیدمینا اساساً از دو معبر محقق می‌شود: ۱. «بهره‌وری» و ۲. «سرمایه‌گذاری».

مقوله سرمایه‌گذاری به دو بخش دولتی و خصوصی تقسیم می‌شود و بی‌شک کمیت و کیفیت سرمایه‌گذاری دولتی بر سرمایه‌گذاری خصوصی تأثیرگذار است. دولت چه در قالب قوانین بودجه سالانه و اعتبارات مرتبط با تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و چه از طریق فراهم‌سازی و تضمین امنیت سرمایه‌گذاری (رئایت در قوانین و مقررات، تنش‌زدایی از فضای سیاسی کشور و کاهش تصدی‌گری‌ها و واگذاری امور به بخش خصوصی) نقش بی‌بدیلی در

یادداشت

رئیس‌جمهوری و پدیده مهاجرت نخبگان



ناصر ذاکری

کارشناس اقتصادی

اسفندماه گذشته رئیس‌جمهور محترم در دیدار با جمعی از خیرین و مسئولان مؤسسه‌های خیریه، ضمن ابراز ناراضیاتی از مهاجرت نخبگان گفته‌اند: «نیاید فرزندان را به‌گونه‌ای تریبت کرد که دنبال مهاجرت باشند. این باور باید ایجاد شود که ما با پول مردم به اینجا رسیده‌ایم و باید برای همین مردم تلاش کنیم نه اینکه اگر جای بهتری پیدا کردیم، برویم و پشت سر خود را نگاه نکنیم.»

ناگفته پیداست که ایشان ریشه مشکل مهاجرت نخبگان را در شیوه تریبت خلاصه نمی‌کنند؛ زیرا در بهانه‌های مختلف به امر ضرورت بهبود شرایط مالی و استخدامی نخبگان توجه داشته‌اند. باین‌حال، ایشان در همین جملات به جنبه‌ای از معضل اشاره می‌کنند که ارزش بذل توجه بیشتری دارد. تصمیم یک فرد نخبه به مهاجرت را می‌توان در قالب یک پروژه تعریف کرد که اجرای آن هزینه‌هایی را به فرد تحمیل می‌کند و درعین‌حال عوایدی را نصیب او خواهد کرد. مقایسه هزینه‌ها و عواید مشخص می‌کند که فرد چه تصمیمی خواهد گرفت و چگونه با این موضوع برخورد می‌کند. عواید یا آنچه با انتخاب گزینه مهاجرت نصیب فرد خواهد شد، از طرف کشور هدف مهاجرت تعیین می‌شود که قصد جذب نخبگان را دارد؛ اما کشور مبدأ مهاجرت می‌تواند هزینه‌ها یا آنچه را فرد از دست خواهد داد، تعیین یا دستکاری کند.

امروزه جوامع توسعه‌یافته و حتی برخی جوامع درحال‌توسعه تلاش گسترده‌ای را برای جذب نخبگان سایر کشورها به کار می‌برند؛ زیرا با این کار بدون اینکه سرمایه‌گذاری سنگینی برای تریبت نخبه کرده باشند، از حاصل زحمت کشورهای دیگر با قیمتی اندک برخوردار می‌شوند. از این‌رو رقابت سرسختانه این کشورها برای جذب نخبگان مهاجر امری طبیعی بوده و از توجهی قوی برخوردار است. به بیان دقیق‌تر، کشور مبدأ مهاجرت در این حوزه کاری از دستشش برنمی‌آید. درواقع مسئولان و دست‌اندرکاران کشور ما هم اگر روزی دست از لجبازی و واقعیت‌های دنیا برداشته و الزامات حرکت در مسیر توسعه را بپذیرند، باید سیاست‌هایی برای جذب نخبگان سایر کشورها و استفاده از ظرفیت آنها برای تسهیل جریان توسعه به کار بگیرند.

از این‌رو اگر مسئولان کشورمان ازجمله رئیس‌ محترم جمهوری، نگران خسارتی هستند که جامعه از محل مهاجرت

یادداشت

زمان و ارزش معنوی و مالی آن



سیدابوالفضل رضوی

نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی

الف- یکی از سرمایه‌های بزرگ و تجدیدناپذیر انسان، «زمان» است.
ب- گوته می‌گوید دیگران می‌گویند وقت طلاست اما من می‌گویم وقت بی‌بهاست.
ج- سخن حکمت‌آمیزی از بزرگان ماست که سحرخیز باش تا کامروا شوی.
د- و یکی از آموزه‌های مهم قرآنی در مورد زمان مربوط به سوره مبارکه «عصر» است، والعصران الانسان لفی خسر... که در اغلب تفاسیر یکی از معانی عصر به زمان تعبیر شده است.

اعضای محترم دولت آیا توجه دارید:

۱- به‌سرعت در حال از دست دادن و هدر دادن بزرگ‌ترین و مهم‌ترین ثروت که «زمان» است، هستید و این در حالی است که بیان می‌فرمایید: در پی سرمایه‌گذار برای تولید هستید.

۲- آیا می‌دانید که ۱۷ درصد عمر خدمتی شما به شرط بقای عمر و ماندن در مقام، سپری شده و به سرعت باد در حال گذر است؟
۳- آیا تا به امروز برای محاسبه قول‌های خود زمانی صرف کرده‌اید که چند درصد از انجام وعده‌های‌تان متناسب با گذشت عمر خدمتی‌تان مطابقت دارد؟

۴- تقریباً اغلب قریب به اتفاق شما اظهار می‌کنید شان و جایگاه مردم بیش از این است که وجود دارد، اما آیا قبول دارید که یکی از عواملی که سبب شده است حق مردم ادا نشود، از دست دادن بزرگ‌ترین سرمایه آنان که در يد قدرت شماست، یعنی «زمان» است؟
۵- چه قبول کنید یا انکار، این موقعیت را که خداوند نصیب‌تان کرده، نعمت بزرگی است و قدر آن باید برای‌تان اصل و اساس باشد. حتما باور دارید که در قیامت یکی از پرسش‌هایی که از افراد می‌شود، درباره نعمت‌هایی است که به آنان داده شده است. پس اتلاف

«زمان» را که ثروت تجدیدناپذیر است، نمی‌توان جواب داد (آیه ۸ سوره تکتار).

برگزیده‌ها

هشدار صدها نفر از اندیشمندان و دانشگاهیان:

نوروز را قربانی سیاست نکنید

نگاهی به سیاست‌های ناکارآمد اقتصادی که مانع پیشبرد توسعه کشور شده است

توزیع فرصت یا توزیع فقر؟

گزارش «شرق» از شناسای ماندن افراد مبتلا به بیماری‌های نادر در مناطق کم‌برخوردار

بیگانه با درمان

اگر خواهان مذاکره هستید دیگر تهدید برای چیست؟

حواشی استقلال در یکی از بدترین فصول این تیم همچنان ادامه دارد

روزگار خاکستری آبی‌ها

«شرق» تبعات بحران سازی رسانه‌ای مخالفان مذاکره با غرب را واکاو می‌کند

ترور در کلام تخریب در واقعیت

یادداشت

زمان و ارزش معنوی و مالی آن

الف- یکی از سرمایه‌های بزرگ و تجدیدناپذیر انسان، «زمان» است.
ب- گوته می‌گوید دیگران می‌گویند وقت طلاست اما من می‌گویم وقت بی‌بهاست.
ج- سخن حکمت‌آمیزی از بزرگان ماست که سحرخیز باش تا کامروا شوی.
د- و یکی از آموزه‌های مهم قرآنی در مورد زمان مربوط به سوره مبارکه «عصر» است، والعصران الانسان لفی خسر... که در اغلب تفاسیر یکی از معانی عصر به زمان تعبیر شده است.

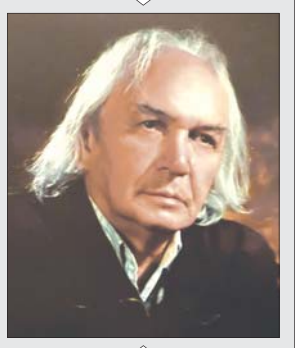
اعضای محترم دولت آیا توجه دارید:

۱- به‌سرعت در حال از دست دادن و هدر دادن بزرگ‌ترین و مهم‌ترین ثروت که «زمان» است، هستید و این در حالی است که بیان می‌فرمایید: در پی سرمایه‌گذار برای تولید هستید.

۲- آیا می‌دانید که ۱۷ درصد عمر خدمتی شما به شرط بقای عمر و ماندن در مقام، سپری شده و به سرعت باد در حال گذر است؟
۳- آیا تا به امروز برای محاسبه قول‌های خود زمانی صرف کرده‌اید که چند درصد از انجام وعده‌های‌تان متناسب با گذشت عمر خدمتی‌تان مطابقت دارد؟

۴- تقریباً اغلب قریب به اتفاق شما اظهار می‌کنید شان و جایگاه مردم بیش از این است که وجود دارد، اما آیا قبول دارید که یکی از عواملی که سبب شده است حق مردم ادا نشود، از دست دادن بزرگ‌ترین سرمایه آنان که در يد قدرت شماست، یعنی «زمان» است؟
۵- چه قبول کنید یا انکار، این موقعیت را که خداوند نصیب‌تان کرده، نعمت بزرگی است و قدر آن باید برای‌تان اصل و اساس باشد. حتما باور دارید که در قیامت یکی از پرسش‌هایی که از افراد می‌شود، درباره نعمت‌هایی است که به آنان داده شده است. پس اتلاف

«زمان» را که ثروت تجدیدناپذیر است، نمی‌توان جواب داد (آیه ۸ سوره تکتار).



حسین قلی‌زاده درگذشت

۱۲

اینماده در صفحه ۱۰

اینماده در صفحه ۱۰